

بگناه

سخن سر دبیر

نشاید بهر باطل، حق نهفتن

اعتراضات ۱۴۰۱ با کلید واژه آزادی شکل گرفت. آزادی، شعاری که معمولاً توسط افراد بدسرشت مورد سوءاستفاده قرار گرفته است و با این واژه سعی در رسیدن به خواسته‌های پلید خود دارند. به نام آزادی، سعی در تجزیه ایران دارند. به نام آزادی، مردم را در مقابل مردم قرار می‌دهند. به نام آزادی، جان مدافع امنیت کشور را می‌ستانند. در هیاهوی آزادی خواهی، قشر دانشجویی نیز ساکت نماند. عده‌ای به واسطه شعار آزادی خواهی، محیط مقدس دانشگاه را آلوده به شعارهای ناروا کردند. عده‌ای نیز در صف حمایت از جمهوری اسلامی و ولایت فقیه قرار گرفتند. این دقیقاً همان چیزی بود که دشمن می‌خواست. دشمن طبق معمول با هدف‌گذاری روی نسل جوان و احیای واژه آزادی توانست کنترل اذهان جوانان را در دست بگیرد.

فارغ از تسلط دشمن بر ذهن جوان امروز، آنچه اهمیت دارد روشنگری راجع به شناخت جبهه مقابل، تعریف درست آزادی و روشن‌سازی ابهامات موجود نسبت به مسائل کشور و مشخص کردن حقایق است. همانطور که سهراب سپهری گفت: «چشم‌ها را باید شست؛ جور دیگر باید دید.» چشمان خود را از ناپاکی‌ها و سیاه‌نمایی‌های اخیر دشمن بشوییم و مسائل و حوادث کشور از زاویه دید دشمن ننگریم. کلاه خود را قاضی کنیم و ببندیشیم مردی که دفاع از هموطن خود را از جان عزیزتر می‌داند، کسی که رسالت خود را حفظ امنیت کشور خویش می‌داند، چگونه ظلم به مردم کشور خود را روا می‌داند؟ ظالم آن ناسپاسی است که نه تنها برای وجود یک انسان وظیفه‌شناس و وطن‌دوست ارزش و اهمیتی قائل نیست بلکه با انتشار اخبار سراسر کذب سعی بر تحریک احساسات پاک مردم و کنترل اذهان عمومی جامعه دارد. روشن کردن چراغ حقیقت بر سر راه مردم، وظیفه ملی هر انسان آگاه است. رخشنده اعتصامی، حجت را بر تمام آگاهان خاموش تمام می‌کند. آنجا که می‌سراید: «حقیقتگوی شو پروین، چه ترسی؟/ نشاید بهر باطل، حق نهفتن.»

رقیه خادم‌نیا

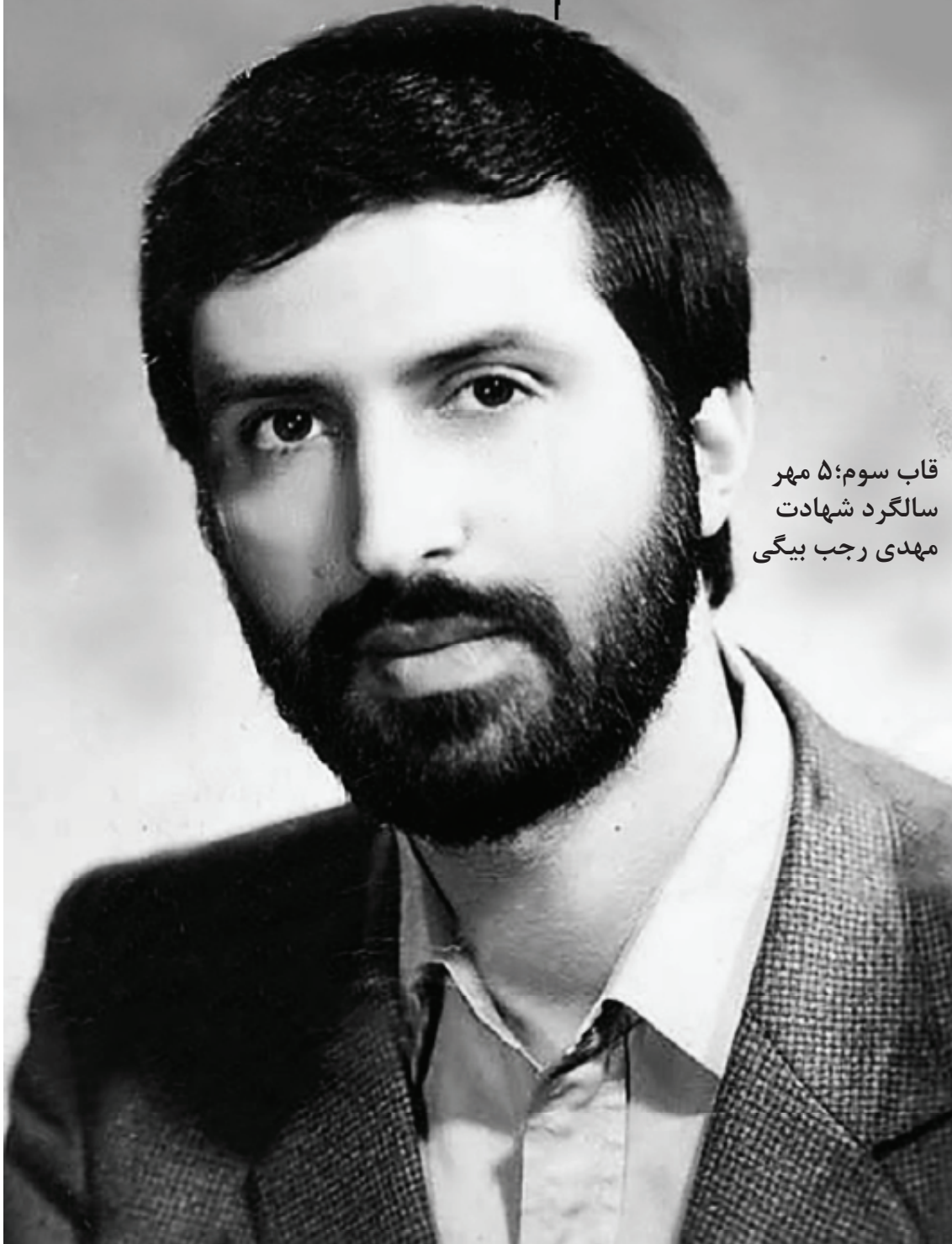


مرد، میهن، آبادی

«ص ۵»

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به شهیدای فاتح جنگ و شکنندگان حصر آبادان، شهیدان نامجو، فلاحی، فکوری، جهان‌آرا و کلاهدوز که شهادت به آنها امان نداد تا خبر خوش فتح را به امام امت برسانند.

باید امروز شهید شویم تا فردا بمانیم
بمانیم تا فردا شهید نشود



قاب سوم؛ ۵ مهر
سالگرد شهادت
مهدی رجب بیگی

آزادی واقعی یا توهم آزادی؟

● رقیه خادم‌نیا، کارشناسی علوم تربیتی

بدین‌گونه از ارزش آن کاسته نمی‌شود؟ اگر در جمهوری اسلامی آزادی به معنای واقعی برای زنان وجود ندارد، پس وجود بانوان توانمند و نام‌آور در عرصه‌های علمی، ورزشی و مسئولیت‌های مهم کشور نمایانگر کدام محدودیت است؟ اگر معنای آزادی در اعتراضات اخیر آزاد بودن حجاب نیست، پس برداشتن حجاب از

است و بدیهی است که آزادی و آزادی‌خواهی در آن جایگاه والایی دارد. حال حکومت یک کشور که بر پایه چنین دینی است، چگونه می‌تواند به آزادی مردم بی‌توجه باشد؟ در اعتراضات اخیر، آزادی‌خواهی پررنگ‌ترین شعار بود اما این آزادی‌خواهی با آزادی‌خواهی قبل از انقلاب تفاوت چشمگیری دارد. مردم آن زمان

در بیشتر جوامع به ویژه در دهه‌های اخیر بیشترین خواسته ملت‌ها آزادی بوده است. آزادی در معنای لغوی به معنای رهایی و در بند محدودیت نبودن است. انسان حق دارد که در جامعه خود آزاد باشد و بتواند آزادانه به اهداف خود برسد؛ لذا جوامع موظف هستند تا این نیاز انسان را ارضا کنند. آزادی در جامعه ایران از آن دسته مسائل بحث برانگیزی است که فضای رسانه‌ها را نیز فرا گرفته است. در این فضای پر التهاب آنچه ذهن انسان را درگیر می‌کند، آن است که فهم افراد آزادی‌خواه از آزادی چیست و با آزادی به چه می‌خواهند دست یابند؟ تا قبل از انقلاب ۵۷ در حکومت پهلوی مردم به لحاظ دین، حجاب و آزادی بیان در قفس تنگ این حکومت استبدادی اسیر شده بودند. آگاهی‌بخشی فردی چون امام خمینی(ره) مردم را از خواب غفلت بیدار کرد. امام(ره) مردم را به سوی آزادی و رهایی از ظلم فراخواند. با رهبری فردی چون امام خمینی(ره) فریاد آزادی‌خواهی تمام ایران را فراگرفت و انقلاب ۵۷ با جانفشانی مردم آزاده ایران به وقوع پیوست. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تابلوی انقلاب اسلامی ایران شد. این شعار، اقتدار و استقلال، آزادگی و نیز تصویر یک حکومت دینی را به تمام جهان ارائه می‌کند. حال سؤال اینجاست که آیا جمهوری اسلامی با چنین شعار محکمی در طول این سال‌ها توانسته آزادی را برای مردم به ارمغان آورد؟ اسلام خود یک دین سیاسی

« آیا شعار آزادی‌خواهی در اعتراضات ۱۴۰۱ نشانی از آن آزادی که در شعار جمهوری اسلامی ایران گنجانده شده است، دارد؟ »

سر چه معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ حجاب و پوشش از پایه‌های مهم اسلام است. حذف آن یعنی نابودی جمهوری اسلامی که البته زهی خیال باطل. بنا به فرمایش شهید مطهری، در نظام جمهوری اسلامی ایران است که آزادی معنوی و آزادی اجتماعی برقرار است. اینکه بگوییم در جوامعی که افراد آزادانه در پی کسب امیال خود هستند پس آزاد هستند، گزاره ای نادرست است. جامعه‌ای آزاد است که مردم آن در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشند و دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند. حال اگر انسان در بند غرایز خویش

رهبری امام(ره) را داشتند. کسی که به واقع دغدغه دین و مردم را داشت. به هر طریقی در مقابل شاه غرب‌زده قیام کرد و مردم ایران را به این قیام دعوت کرد. آنها با اتحاد و حمایت بی‌چون و چرا از امام خود توانستند حکومت ظلم را از پایه سرنگون کنند. کسانی که آزادی واقعی را می‌خواستند و با جان و مال در راه آزادی جنگیدند، مردمان آن زمان بودند. برای آزادی‌خواهی امروز چه توصیفی می‌توان ارائه داد؟ آیا آزادی‌خواهی و جنگیدن در راه آزادی با روسری برداشتن و کشف حجاب است؟ آیا آزادی که یک واژه مهم و سرشار از زندگی است،

از آزادی آن چیزی را می‌خواهند که دشمن می‌گوید. این نسل نیازمند روشنگری است. درست است که در جمهوری اسلامی ضعف‌ها و کاستی‌هایی دیده شده است و قابل انکار نیست. باید ایستاد و ضعف‌ها را برطرف کرد. بدون شک وجود حکیم فرزانه‌ای چون آیه الله خامنه‌ای و بصیرت ملت ایران نیرنگ‌های دشمنان را بی‌اثر خواهد کرد.

بی‌تردید کسی که با قانون و دین کشور خود مبارزه می‌کند، آزادی‌خواه نیست. کسی که با بی‌رحمی به مدافعان امنیت کشور حمله می‌کند و خانواده‌های آنها را سیاه‌پوش و مردم ایران را بی‌سلاح می‌کند، آزادی‌خواه نیست. کسی که ارزشی برای آرامش و امنیت هم‌وطن خود قائل نیست، آزادی‌خواه نیست. او در پی کامیابی‌های دنیوی است نه رشد و تعالی جامعه خویش.



نباشد و اسیر شهوت، خشم، جاه‌طلبی، قدرت، افزون‌طلبی و... نباشد، چنین انسانی علاوه بر آزادی اجتماعی، آزادی معنوی هم داراست. همچنین آزادی اجتماعی به آزادی معنوی وابسته است. جوامع امروز غالباً به آزادی اجتماعی توجه دارند. در حالی که بدون آزادی معنوی، آزادی اجتماعی عملاً امکان‌پذیر نیست؛ زیرا انسانی که از نظر معنوی آزاد نیست و برده‌تمایلات خود است، چگونه می‌تواند آزادی دیگران را محترم بشمارد؟ لذا آزادی به معنای واقعی در بستر جمهوری اسلامی یافت می‌شود. به برکت انقلاب اسلامی به وضوح ایران آزاده را دیدیم که همچنان محکم و مقتدر در برابر تمام جهان ایستاده است. جوان امروز جامعه تحت تأثیر دروغ‌ها و فریب‌های رسانه قرار گرفته است. آزادی خواهان امروز

مرد، میهن، آبادی

به مناسبت روز نیروی انتظامی و جان‌نثاری دلیرمردان نظامی کشور در اغتشاشات اخیر

● معصومه عباس قربانی، کارشناسی تاریخ تمدن و ملل اسلامی

در روزهای مختلف به ویژه جمعه به نام‌هایی مانند: جمعه عزت، جمعه مبارزه، جمعه آزادی، مردم علیه حکومت بشار اسد دست به اعتراض زدند و خواهان کناره‌گیری او از قدرت شدند.

نیروهای نظامی دولت بشار اسد معترضان را به شدت سرکوب کرد و رسانه‌های بیگانه با شایعه‌پراکنی و کشته‌سازی بیشتر به اعتراضات دامن زدند و برخی مخالفان سوریه با حمایت دولت‌های غربی و آمریکا به جنگ مسلحانه علیه دولت حاکم روی آوردند و اعتراضات به اغتشاشات کشیده شد و مردم و پلیس در مقابل هم قرار گرفتند و طرفداران و مخالفان دولت بشار اسد یکدیگر را به خاک و خون کشیدند و راه را برای ورود داعش و گروه‌های تکفیری در میان اغتشاشگران باز کردند. اینگونه شد که در سوریه حدوداً هشت سال بدترین بحران‌ها و فجایع بشری رخ داد و مردمی که در ابتدا به خاطر اصلاحات اقتصادی دست به تظاهرات زده بودند، با سوء استفاده بیگانگان از

بودند. با شروع اعتراضات و کشیده شدن اعتراضات به اغتشاشات و کشتن و آسیب زدن به اموال عمومی و برخورد پلیس با اغتشاشگران و دستگیری آنها، رسانه‌های بیگانه با دروغ و شایعه‌پراکنی به دنبال این بودند که پلیس ایران را یزید زمان جلوه دهند تا بر آتش درگیری‌ها بیفزایند. البته با حمایت برخی سلب‌بیتی‌های خائن و وطن‌فروش موفق هم شدند اما واقعیت این چنین نبود.

بیگانگان همواره «راهبرد فتح کشور بدون خونریزی» با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای را به عنوان یکی از محوری‌ترین سیاست‌های جنگ نرم علیه کشور ایران در فضای سایبری و رسانه‌ای دنبال می‌کنند. سیاستی که در آن با انتشار دروغ و شایعات و بحرانی کردن شرایط، سعی دارند افکار عمومی را به دست گیرند و به اهداف پلید خود دست یابند.

شبکه‌های BBC و CNN با پدیده کشته‌سازی، دائم ایران را در رسانه‌های خود غرق به خون نشان می‌دهند و می‌گویند: «معترضین توسط نیروی انتظامی به خون کشیده شدند» تا با جریحه‌دار کردن احساسات مردم و تخریب نیروی حافظ امنیت، مردم را به مقابله علیه نیروی امنیتی کشور سوق دهند و امنیت ایران را مختل کنند و با شکسته شدن کمربند ایمنی کشور اتفاقی مانند سوریه را برای ایران عزیز رقم بزنند. جنگ داخلی سوریه و ورود داعش به این کشور نیز از یک اعتراضات مردمی علیه مشکلات اقتصادی کشور شروع شد و با شایعه‌پراکنی رسانه‌های غربی و حمایت دولت‌های استعمارگر مانند آمریکا شدت یافت و چندین ماه در بسیاری از شهرهای سوریه و

هر ساله در ایران هفدهم تا بیست و سوم مهرماه را هفته نیروی انتظامی می‌نامند و از این دلایر مردان حافظ امنیت که برای تأمین امنیت جامعه از دادن جان خود دریغ نکردند، تقدیر و تشکر می‌شود اما امسال به دلیل اتفاقی ناگوار و تأسف‌بار و مرگ ناگهانی دختری به نام مهسا امینی که به دلیل عدم رعایت حجاب به مرکز پلیس امنیت اخلاقی منتقل شده بود، مراسم تقدیر و تشکر از پلیس به مناسبت هفته نیروی انتظامی به شکلی دیگر رقم خورد و کام ملت شهید پرور ایران را تلخ کرد. در حالی که هنوز ابعاد حادثه، دقیق از منابع ذی ربط روشن نشده بود، رسانه‌های بیگانه با در دست گرفتن ماجرای مرگ مهسا امینی شروع به شایعه‌پراکنی کردند و به جریحه‌دار کردن احساسات عمومی مردم پرداختند و عرصه را برای تحقق نقشه‌های شوم خود مناسب دیدند. در نتیجه به سرعت این خبر که «مهسا امینی توسط پلیس گشت ارشاد کشته شد» سر تیترا اخبار بیگانه و شبکه‌های معاند قرار گرفت.

در میان سکوت دستگاه‌های نظارتی و قضایی، عده‌ای خواص بی‌خواص و سلب‌بیتی که مریضی به نام «دیده شدن» دارند، بر خون پاک این دختر جوان موج‌سواری کردند و هیزم در آتش این فتنه ریختند و عده‌ای از این سلب‌بیتی‌ها که در داخل و خارج از ایران با پول این مردم و مملکت به عشق و حال خود مشغول بودند، شروع به توثیق زدن کردند و عده‌ای از جوانان را با شعار «زن، زندگی، آزادی» به شورش و مقابله علیه پلیس حافظ امنیت کشور تشویق کردند. در حالی که آنها فقط و فقط نظاره‌گر



برخی منافقین شد. به راستی چقدر حربه‌های رسانه‌ای، روانی و نظامی بیگانگان علیه کشور سوریه و ایران یکسان است. با بهانه‌ای، اعتراضاتی در کشورها راه می‌اندازند؛ سپس جریان اعتراضات را به هر سمتی که آنها می‌خواهند می‌کشاند.

بیگانگان به خصوص آمریکایی‌ها بدانند اگرچه حال و هوای اکنون ایران با حال و هوای اوایل سوریه شباهت دارد اما بدانند قطعا پایان یکسانی نخواهد داشت. چرا که نهاد نظامی ما آگاه‌اند و حاضر می‌باشند بدون سلاح گرم تنها با تفنگ پینت‌بال و گاز اشک‌آور برای امنیت ایران و ایرانی جان خویش را بدهند تا صف معترضین از اغتشاشگران جدا شود و مردم فریب‌خورده و هیجان‌زده آگاه شوند و اغتشاشگران به سزای اعمال خود برسند.

این حادثه، آمبولانس به منطقه اعزام شد تا او را به مرکز درمانی منتقل کند اما به سمت آمبولانس حمله کردند و می‌گفتند: «آمبولانس را به آتش بکشید.» جمعیت، جلوی آمبولانس را گرفت اما همکاران نیروی انتظامی او را به سختی از آمبولانس خارج کردند و با خودروی دیگر به مرکز درمانی منتقل کردند.

در نتیجه بیشتر می‌توان پی برد که واقعا رسانه می‌تواند با افکار انسان‌ها کاری کند که حق را باطل و باطل را حق ببینند و حتی خوی انسانی و رحمانی افراد را به خوی حیوانی و درندگی تبدیل کند و کاری کند که انسان‌ها به کارهایی دست بزنند که حتی حیوانات هم از انجام آن شرم دارند. مانند این اتفاق که در فضای مجازی نیز به شدت بازتاب داشت و موجب خوشحالی و لایک

این اعتراضات و ورود داعش به سوریه، دیگر خانه و زندگی خود را نیز از دست دادند و آواره و ترسان دائم فرار کردن بودند. همچنین منابع نفتی و سرمایه‌های آنها نیز توسط بیگانگان به یغما رفت.

در ایران از ابتدای شروع اعتراضات تا به امروز ۲۶ نفر از نیروهای بسیجی و انتظامی در این ناآرامی‌ها مظلومانه به شهادت رسیدند. در ابتدای اعتراضات، نیروهای امنیتی با دستان خالی و بدون سلاح رزمی در خیابان‌ها حاضر می‌شدند تا امنیت شهروندان را در برابر آشوبگران حفظ کنند اما اندکی بعد اعتراضات رنگ و بوی اغتشاش گرفت و با نفوذ عناصر ضد انقلاب و آموزش دیده در میان مردم معترض، پای سلاح سرد و گرم به اغتشاشات باز شد و مردم بی‌گناه و مدافعان امنیت هدف تیرهای مستقیم و جنگی عناصر تروریستی و ضد انقلاب قرار گرفتند و در برخی موارد آشوبگران داعشی، نیروی انتظامی را به آتش کشیدند و جیغ و هورا سر دادند. در حالی که تنها سلاح دفاع نیروهای مظلوم امنیتی باتوم و گاز اشک‌آور و تفنگ پینت‌بال بود و حق استفاده از سلاح گرم را نداشتند. به راستی در هیچ جای این کره خاکی، پلیس یک کشور با معترضین چنین مدارایی نمی‌کند که پلیس ایران با معترضان کرد و حتی در کشورهای متمدن دیده شده است که وقتی معترض کوچک‌ترین مقاومت در برابر فرمان پلیس کند با گلوله کشته می‌شود.

وقتی به ماجرای زخمی شدن یکی از پرسنل فرماندهی انتظامی به نام استوار میلاد علی نقی تبار می‌نگریم که در آمل برای کنترل اغتشاشگران در سطح شهر به همراه همکاران انتظامی به محل تجمع اعزام شده بود و معترضین که بیشتر ماسک داشتند و با آجر و سنگ به او و همکاران ایشان حمله می‌کردند، او نیز با سپر از خود دفاع می‌کرد که ناگهان دو نفر به او نزدیک شدند و با شیء تیز گلولی او را بریدند. خون به سرعت فوران کرد و به معنای واقعی کلمه او غرق خون شد. بعد از



پاسخ به حقوق معترضان در حکومت مردم سالاری دینی

آیا نظام جمهوری اسلامی به مطالبات مردم پاسخ می‌دهد؟

● سیده رعنا قبله، کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی



مختلف اجتماع اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد نظم و انسجام ویژه‌ای می‌یابند و زمینه برای تحقق اهداف کلان جامعه فراهم می‌گردد. در چنین شرایطی نظام اقتصادی کشور به تمرکز و تکاثر ثروت دچار نمی‌شود. فضای سیاسی را فساد و بی‌اعتمادی فرا نمی‌گیرد و فرهنگ و هنر به ابتدال کشیده نمی‌شود بلکه الگوهای نو و سالم از مشارکت عمومی و مستمر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و بروز خلاقیت و تعهد در فعالیت‌ها به نمایش در می‌آید و شیوه‌های تازه‌ای از مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی تجربه می‌شود. در نتیجه زمینه‌های آزادی بیان و احساس امنیت در صورت اظهار مخالفت در جامعه ایجاد می‌شود و افراد می‌توانند مخالفت خود را با سیاست‌های نظام به راحتی اعلام کنند و آسیبی نبینند. در سیره علی(ع) خط قرمزی برای انتقاد از حکومت و شخص حاکم وجود نداشت و پاسخ سخن‌هر قدر هم که تلخ و موهن بود- تنها با سخن داده می‌شد نه با داغ و درفش. جواب انتقاد منطقی و برهان بود نه تهمت و بهتان. کلام آخر اینکه نگارش این متن با توجه به برخی نکات طلایی کتاب «اخلاق زمامداری» استاد صابر اداک نوشته شده است. مطالعه این کتاب برای علاقه‌مندان بسیار مفید خواهد بود.

تا چه حد سنگین است و می‌تواند منجر به انواع محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی برای آنان و نزدیکان ایشان شود، چگونه می‌توان انتظار مخالفت و انتقاد به حکومت را داشت؟

علی(ع) برای ایجاد فضایی امن برای منتقدان و مخالفان و از بین بردن دلهره و اضطراب آنان کارگزاران خویش را به سعه صدر و احترام به نظر مخالف فرمان داده و از برخورد مستبدانه و اقتدارگرایانه با مردم بر حذر می‌داشت. در حکومت او مخالفان تا هنگامی که عملی بر ضد حکومت و امنیت عمومی انجام نداده بودند، آزادی کامل داشتند و هیچ کس به صرف حدس و گمان و اتهام، مورد عقوبت قرار نمی‌گرفت. مجازات مخالفان و مجرمان هم بر اساس عدالت و حفظ کرامت انسانی صورت می‌گرفت و چنین نبود که حکومت خود را مجاز به هرگونه رفتاری با مجرم سیاسی بداند. سؤال اصلی اینجاست که مسئولین رأس نظام جمهوری اسلامی ایران از اخلاق زمامداری مولا علی(ع) برای پاسخ به مطالبات مردم بهره‌ای بردهند؟ آیا رفتار مداراگرایانه‌ای با منتقدان و مخالفان دارند؟ پاسخ پر واضح است. اگر قوانین و مقررات و سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی جامعه بر اساس موازین اسلامی انتخاب شوند، بخش‌های

استبداد و خودکامگی، آنجا که به سلاح‌های قدرتمندی همچون دین و ایدئولوژی دست یابد و آنها را نیز به خدمت درآورد، کارایی آن بیشتر و البته خسارات آن هم سنگین‌تر خواهد شد؛ زیرا با توسل به این حربه، اعمال ناشایست حکومت از قبیل ظلم و بی‌عدالتی و سرکوب و اختناق، توجیه و لازمه بقای دین و دولت شمرده می‌شود. علی(ع) پیوسته بر این نکته تاکید می‌کرد که حکومت، رابطه‌ای دوسویه میان مردم و حاکمان است که حقوق و تکالیفی را برای هر یک پدید می‌آورد و چنین نیست که حاکم، همواره محق و مطاع و مردم همیشه مکلف و مطیع باشند. علی(ع) مخالفت سیاسی با حکومت را حق طبیعی افراد جامعه به شمار می‌آورد و آن را به رسمیت می‌شناخت و در پی ایجاد جامعه‌ای یکدست و مطیع نبود. همراهی با حکومت یا تعارض با آن نقشی در امتیازات اجتماعی و اقتصادی افراد نداشت و عملی برای بهره‌مندی یا محرومیت از امکانات عمومی به حساب نمی‌آمد. آشکار است که افراد منتقد یا مخالف تنها در صورتی قادر به بیان آراء و نظرات خویش‌اند که از حداقل امنیت و آزادی برخوردار بوده و از تبعات گفته‌های خود نگران نباشند. از مردمی که می‌دانند و می‌بینند که سزای مخالفت با حکومت

در پیچ و خم روشنفکری!

نقش دانشجوی در شرایط فعلی جامعه چیست؟

● زهرا جعفری، کارشناسی مهندسی مکانیک

خود به دست آورند. همان عده‌ای که کمترین کار آنها مطالعه حوزه‌های مختلف است و سواد خود را فقط از روی پست و استوری‌ها و سرچ کردن در گوگل به دست می‌آورند.

در کنش‌های اجتماعی و حوادث جامعه هنوز مردم همانند گذشته توقع دارند دانشجویان قشر فرهیخته‌ای باشند که حرفی برای گفتن دارند و حرف آنها با حرف عموم مردم فرق می‌کند اما با قشری رو به رو هستند که جایگاه و اثرگذاری خود را به عنوان دانشجو درک نکرده و همانند مردم عادی به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند. برای افزایش اطلاعات خود کتاب‌های حوزه تاریخ، سیاست، اجتماعی نخوانده‌اند و تمام مطالعات آنها در محدوده درس خویش است.

نه چندان کمی از دانشجویان که در دانشگاه ثبت نام می‌کنند، می‌خواهند فقط مدرک تحصیلی را بگیرند و نزد بقیه فامیل کم نیاورند که لیسانس را نگرفته‌اند. عده خیلی بیشتری هم دانشگاه را محدود به رشته تحصیلی خود می‌دانند و تمام هدف آنها از دانشگاه آمدن، پاس کردن واحدها است. حال در این گروه عده‌ای فقط می‌خواهند پاس شوند و عده دیگر می‌خواهند معدل الف شوند و تصور می‌کنند هر فعالیت دیگری آنها را از درس خواندن عقب می‌اندازد.

همان‌طور که می‌بینیم، عده خیلی باقی می‌مانند که رسالت دانشجویی خود را درک کرده و می‌خواهند از این چندسال تحصیل آکادمیک خود مهارت‌هایی جدا از رشته تحصیلی

در بین تمام اقشار جامعه، دانشجو قشر نخبه و تحصیلکرده تلقی می‌شود که توقع می‌رود بخاطر سطح تحصیلات و علمی که به خود اضافه می‌کند، فردی متنبه و با آگاهی بالا باشد، در مسائل روز جامعه اطلاعات خوبی داشته باشد و بتواند اظهار نظر کند. مبدأ پیدایش این نوع تفکر از زمان قبل انقلاب است. در آن برهه از تاریخ که ایران دانشگاه‌های زیادی برای تحصیل نداشت و افراد خیلی کمی می‌توانستند درس بخوانند و وارد دانشگاه‌ها بشوند و به همین دلیل اقلیت جامعه به چشم یک روشنفکر واقعی به آنها می‌نگریست.

بخواهیم به تظاهرات سیزده ساله انقلاب اسلامی ایران نگاه کنیم؛ این دانشجویان بودند که جرعه اعتراض‌ها را می‌زدند و خیل زیادی از مردم با آنها همراه می‌شدند. این دانشجویان بودند که با فعالیت در تشکل‌ها به جنس فعالیت سیاسی، فرهنگی، اعتقادی مردم جهت می‌دادند. آن دانشجویانی که کتابخانه‌های ایشان پر از کتاب‌های غیر رشته تحصیلی آنها بود، برای تک تک قدم‌ها و فعالیت خویش مطالعه می‌کردند و با سطح آگاهی بالایی که داشتند نظرات و تحلیل‌های خویش را به گوش مردم می‌رسانند.

برگردیم به زمان حال و وضعیت دانشجوی قرن ۱۵ هجری خورشیدی و تاثیرگذاری او بر مردم.

بخاطر وجود دانشگاه‌های متعدد و افزایش ظرفیت دانشگاه‌های دولتی هر ساله تعداد افرادی که پای آنها به دانشگاه‌ها باز می‌شود، چندین برابر گذشته است اما آیا تمام این افراد درک درستی از جایگاه جدید خود در جامعه دارند؟ با قاطعیت می‌توان گفت عده





دانشجو را برای بقیه شرح دهند و آنها را از منفعل بودن دربیاورند تا به جای تأثیرگذاری بر مردم خود تأثیر نپذیرند. وظیفه بعدی دانشجویان، آگاه کردن سایر اقشار جامعه است. آنان باید تحلیل خود را در گام اول یک تحلیل منطقی و قوی از نظر محتوای علمی بکنند و در گام بعدی این تحلیل را با آحاد مردم به اشتراک بگذارند. در بُعد فعالیت‌های دانشگاهی مطالبه‌گری‌های خود، پیگیری موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی را افزایش دهند و به مردم نشان دهند که دانشجو تا چه حد می‌تواند تأثیرگذار باشد.

قشر نخبه جامعه است و دانشجو هم می‌خواهد اثرگذار باشد در رادیکال کردن شعارها پیشروی می‌کند. حال باید بررسی کنیم وظیفه آن دسته دانشجویانی که به رسالت دانشجویی خود پی برده‌اند، چیست؟

وظیفه اول دانشجویان، بیدار کردن هم‌دانشگاهی‌های خویش است. فعالیت دانشجویی نه تنها هیچ ضربه‌ای به درس آنها نمی‌زند بلکه باعث پربارتر کردن چند سال تحصیل آنها در دانشگاه است. آنان را توجیه کنند، مشوق بقیه برای خواندن کتاب‌ها و بالابردن سطح اطلاعات و آگاهی آنها باشند، تأثیرگذاری قشر

همان‌طور که مشخص است این دانشجویان سرد و منفعل نمی‌توانند به فعالیت‌ها و نظرات و نگاه‌های مردم جهت دهند بلکه آنها همانند مردم عادی از مرجعیت‌های فکری موجود در کشور مانند سلبریتی‌ها و بلاگرها جهت می‌گیرند.

در اعتراض‌های این چندسال اخیر مردمی نیز مشاهده می‌کنیم که اعتراضات از خیابان‌ها وارد دانشگاه‌ها می‌شود. نقدها و ایدئولوژی‌های آنها همانند مردم عادی به دور از تحلیلی آگاهانه و مبنی بر علم و مطالعه است. نکته قابل توجه آنجاست که چون مردم هنوز بر این باورند که قشر دانشجو

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_eslami_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۱۸۸+۲

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سر دبیر: رقیه خادم نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم نیا، سیده رعنا قبله، معصومه عباس قربانی، زهرا جعفری

صفحه آرا: زهرا عسکری حصن